

زیر آسمان فیروزه ای

مراسم اهدای ششمین دوره جایزه دکتر فتح‌الله مجتبابی



● **شرق:** مراسم اهدای ششمین دوره جایزه دکتر فتح‌الله مجتبابی شنبه ۲۵ دی ساعت ۱۶ با حضور اصحاب فرهنگ و اندیشه در مرکز فرهنگی شهر کتاب برگزار می‌شود. هیئت داوران این جایزه (فتح‌الله مجتبابی، ضیاء موحّد، حسین معصومی‌همدانی، شهرام یازوکی و علی‌اصغر محمدخانی) پس از بررسی پایان‌نامه‌های دریافتی که در سال ۱۳۹۴ دفاع شده‌اند، دو پایان‌نامه برگزیده و یک پایان‌نامه تشویقی را انتخاب کرده‌اند که در این مراسم معرفی می‌شوند. همچنین در این مراسم، هیئت داوران و استادان راهنمای پایان‌نامه‌های برگزیده درباره وضعیت پژوهش‌های دانشگاهی در حوزه زبان و ادبیات فارسی، ادیان و عرفان سخن می‌گویند. از استادان، پژوهشگران، دانشجویان و علاقه‌مندان دعوت می‌شود برای حضور در این مراسم به مرکز فرهنگی شهر کتاب واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصیر (بخارست)، نبش کوچه سوم مراجعه کنید.

عروسک در گالری والی

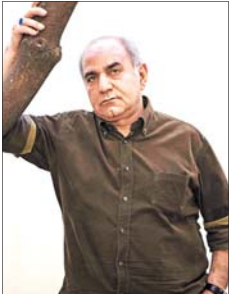
● **شرق:** تازه‌ترین نمایشگاه مجموعه نقاشی‌های «سیامک عزمی» در گالری والی آغاز به کار کرده است. عنوان این نمایشگاه «عروسک» است و در آن تابلوهای هزاررنگ و ظرافت‌های بصری بسیار، به صورت کنایه‌ای درباره استحاله بشر معاصر به تصویر درآمده است؛ عزمی عقیده دارد انسان از ساخت ذاتی خود دور شده و گاه به کالایی برای خریدوفروش تنزل یافته است. در ۱۱ اثر نمایشگاه عروسک، پرسوناژهایی انسانی دیده می‌شوند که با عروسک آمیخته شده‌اند و پرتوهایی که اغلب گرم دلقک‌ها را دارند، بر روح تأمل‌برانگیز آثار افزوده‌اند. نمایشگاه نقاشی‌های سیامک عزمی تا ۲۸ دی در گالری والی به نشانی میدان ونک، خیابان خدای، پلاک ۷۲ پریاست.

شرق: حذف شماری از فیلم‌سازان شاخص از بخش مسابقه فجر ۳۵ اتفاقی نیست که بتوان به‌راحتی از کنارش گذشت. کانایه (کیانوش عیاری)، لرد (محمد رسول‌اف)، ملی و راه‌های نرفته‌اش (تهمینه میلانی)، هجوم (شهرام مگری)، بی‌حساب (مصطفی احمدی)، فصل ترکس (نگار آذربایجانی) از جشنواره حذف شده‌اند و اکثراً هم تنها دلیلی را ممیزی‌های سخت‌گیرانه‌ای می‌دانند که جشنواره امسال بر فیلم‌ها روا داشته است. انتخاب‌های صورت‌گرفته، نشان می‌دهد مسئولان فجر درصدد بوده‌اند مخالفان را اراضی نگه دارند و تا حد امکان از اختلاف‌ها و حواشی‌ای که معمولاً برس جشنواره فیلم فجر سایه می‌اندازد، جلوگیری کنند. قطعا مسئولان جشنواره استدلال خود را برای این انتخاب‌ها دارند، ولی طبعاً نمی‌توان به‌راحتی از حضورنیافتن کیانوش عیاری در این دوره از جشنواره گذشت؛ کارگردانی که به گواه فیلم‌های درخشانی که از او دیده‌ایم، حضورش در این دوره از جشنواره را پس از شش سال دوری از سینما باید به فال نیک می‌گرفتیم، حال باید نامش را به همراه فیلم‌سازان برجسته دیگر در فهرست کارگردانی

که فیلم‌هایشان جایی در بخش رقابتی جشنواره فیلم فجر ندارند ببینیم! پرویز پرستویی در واکنش به تصمیم هیئت انتخاب جشنواره فجر، یادداشتی اختصاصاً در اختیار «شرق» قرار داده است که در ادامه می‌خوانید:

بعد از یک سال تلاش شبانه‌روزی که روح، جسم و جان سینماگران را فرسوده بود، یک جشنواره، حال

خوش و دُم دوباره‌ای بود به این همه نفس بریده از فشارهای روزگار و احوال همیشه نادیده‌گرفته‌شده هنرمندان. هر سال با آمدن برنامه‌ای جدید این تنگنا برایشان تنگ‌تر می‌شود و امسال که دیگر نور علی نور بود، از زمان اعلام نتایج از سوی دبیر جشنواره، همه صفحات مجازی و... از فهرست درخور توجه نادیده‌گرفته‌شدگان سخن می‌گفتند! واقعا آیا کیانوش عیاری، احمدرضا معتمدی، تهمینه میلانی، مهدی صباغ‌زاده، شهرام مگری، مصطفی احمدی، رسول‌اف، هاتف علیمردانی و... فیلم‌سازی بلد نیستند که بتوانند



نظر بعضی از اعضای غیرمتخصص سینمایی را در هیئت انتخاب جلب کند؟!؛

چرا باید ترکیب هیئت انتخاب یک جشنواره تخصصی بیشتر از اعضای دولتی و نظارتی باشد تا متخصصان صاحب‌نظر؟! مگر جز سیدضیاء هاشمی، جمال امید و ترکس آبیاری می‌شود بر تخصص، نظر و رای غالب هیئت انتخاب اعتماد و تکیه کرد؟!؛ هیئت انتخاب به‌جز موارد نامبرده‌شده در بالا، مسئولان گزینش خود ۶۰ را یادمان می‌آورد. ببینید کار به کجا کشیده که کیهان از هیئت انتخاب تقدیر می‌کند!! عجباً واقعا به کجا می‌رویم چنین شتابان؟! یادش بخیر چه جشنواره‌هایی بود، چه تپ‌تابی، چه شور و هیجانی بین سینماگران وجود داشت. اصلاً برای برپایی یک جشنواره دوزمی چه لزومی دارد؟! فیلم «خانه کاغذی» یک سینمای قصه‌گوست؛ همان سینمایی که در تپ‌تاب تقلید و کپی از فیلم‌های فرنگی کمرنگ شده است؛ اما هنوز مردم آن را دوست

ضمن تجلیل از فریده فرجام صورت گرفت

نشان استادمحمد در دستان رحمانیان وامجد

نمایش‌نامه‌ای بود که برنده جایزه شد و به اجرا درآمد.

نمایش‌نامه «عروس» در تلویزیون ملی ایران اجرا و دوبار پخش شد. هم‌زمان نمایش‌نامه «خانه بی‌بزرگتر» وی در تئاتر سنکلیج روی صحنه رفت. او سپس نمایش‌نامه «هوای مقوایی» را نوشت. خاتم فرجام در آذرماه ۱۳۹۳ در بازگشت به ایران، نمایش‌نامه عروس را با همکاری بازیگران حرفه‌ای سینما، تئاتر و تلویزیون به‌نفع یک بنیاد خیریه در باغ‌موزه قصر و در خانه تئاتر فرهنگ‌سرای گلستان روخوانی کرد. وی در سال ۱۳۹۴ در جلسه امضای چاپ تازه‌ای از مجموعه نمایش‌نامه

«آجمه» که برای نخستین‌بار ۵۱ سال پیش منتشر شده است، شرکت کرد.

اسب‌ها؛ سال ۵۹ شمسی

محمد رحمانیان در آغاز دهه ۸۰ به دنبال نگارش و اجرای متونی مذهبی، برگرفته از قیام کرپلا بود. او در سال ۸۲ نمایش «پل» را با کارگردانی مشترک حبیب رضایی در تالار چهارسو اجرا کرد که با اقبال عمومی و منتقدان مواجه شد چون در زمینه متون مذهبی-تاریخی حرکت تازه‌ای به‌شمار می‌آمد، اما این راه با «اسب‌ها؛

سال ۵۹ هجری شمسی»، و اجرایش در تالار اصلی تئاتر شهر در سال ۸۳ دوام یافت. آخرین سه‌گانه از نمایش‌نامه‌هایی با موضوع قیام کرپلا نیز نمایش «روز حسین» بود که در سال ۸۸ با حضور رحیم‌شمالی از اجرای عمومی بازماند و حتی بر سر انتشار آن نیز تا مدت‌ها نشر چشمه دچار توقیف شد. نمایش‌نامه «پل» ازسوی دفتر نمایش‌نامه‌های مذهبی مرکز هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به چاپ رسید و نمایش‌نامه «اسب‌ها؛ سال ۵۹ هجری شمسی» نیز در سال ۹۴ ازسوی انتشارات نیلا منتشر شده است.

رحمانیان، در «اسب‌ها؛ سال ۵۹ هجری شمسی» سعی کرده که مرثیه‌سرایی نکند. موضوع اصلی نمایش اسب‌ها، درباره خانواده‌هایی است که بدون آنکه خودشان بخواهند وارد جریانی می‌شوند که علاقه‌ای به آن ندارند. یوسف اسبی مراد یحیی است که ایمان و دانش خود را از او گرفته است. یحیی در لحظات ناامیدی به یاد یوسف اسبی است و از او به‌عنوان یک شخصیت صلح‌طلب یاد می‌کند، اما وقتی او وارد

شرق: انجمن مطبوعات خارجی هالیوود و سینماک آمریکا شنبه، ۱۸ دی، نشستی را برای فیلم‌های خارجی‌زبان گلدن‌گلوب برگزار کرد. در این نشست سینمایی که اجرای آن برعهده سام اسی، منتقد و خبرنگار سینمایی هالیوود، بود، علاوه بر اصغر فرهادی، پل ورهوفن کارگردان فیلم او، پابلو لاراین کارگردان فیلم نرود، مارن اده کارگردان آلمانی فیلم تونی ارمدن و همچنین هودا بنیامینا کارگردان فیلم فرانسوی «Divines» حاضر شدند. به گزارش سایت سینایت گلدن‌گلوب، فرهادی کارگردان ایرانی و سازنده فیلم «فروشنده» در سمپوزیم فیلم خارجی‌زبان گلدن‌گلوب که در سینما مصر هالیوود برگزار شد، شرکت کرد. همچنین به نقل از سایت فیلم «فروشنده»، اصغر فرهادی که فیلم‌هایش مضمونی اجتماعی و تلخ دارد و بیشتر حول محور خانواده می‌چرخد، در نشست خبری نامزدهای جوایز گلدن‌گلوب به پرسش‌های خبرنگاران و منتقدان پاسخ داد. ازآنجاکه بیشتر خبرنگاران فکر می‌کردند که فرهادی از تجربیات خود در زندگی شخصی استفاده کرده و فیلم‌هایش را براساس آن تجربیات

می‌دارند، فیلمی درباره مفاسد اقتصادی که امروزه در کشورمان موضوعی بسیار عادی شده است، من نه برای خودم که آرام را ریخته و الکم را آویختم، بلکه متأسفم برای دست‌اندرکاران فیلم خانه کاغذی، از جوانانی مانند تینا پاکروان (تهیه‌کننده)، ایمان امیدواری (طراح گریم)، ستاره اسکندری (بازیگر)، منصوره یزدانجو (طراح صحنه و لباس) و دیگر عزیزانی که با تمام انگیزه و جان‌شان پای یک اثر شریف ایستادن تا پیش‌کسوتانی مانند نظام کیایی و مهدی صباغ‌زاده که هنوز خانه خلوتش جزء فیلم‌های به‌یادماندنی تاریخ سینماست و علیرضا زرین‌دست که هنوز پر از انرژی و انگیزه است و... این همه زحمت و ایستادن پای یک اثر که حرف‌های بسیاری برای گفتن دارد و البته تنها خوبی‌اش این است که کسانی که باید گوش شنیدن داشته باشند - مردم - دارند و در گذر تاریخ بهترین قاضیان بوده‌اند. در آخر برای همه عزیزان حاضر در جشنواره آرزوی موفقیت می‌کنم و عید سینمای ایران را به آنها تبریک می‌گویم و به همه غایبان سفره هفت‌سین سینما خدا قوت می‌گویم و شک ندارم جواب‌شان را از مردم خواهند گرفت.

صحنه می‌شود می‌بینیم که وی دچار جنون شده است و خود را با جنگ اسب‌ها سرگرم می‌کند. این داستان حدیث نفس ماست.

سه خواهر و دیگران

این نمایش‌نامه شرحی بر زندگی ودل‌مشغولی‌های خانواده پرزُرف است که از سه خواهر به نام‌های اولگا، ماشا و ایرینا و برادرشان آندره نی تشکیل شده است. این خانواده از وضعیت موجود خود ناراضی است و چشم‌انداز آینده را تیره‌وتار و امیدهای خویش را برادررفته می‌بیند.

سه خواهر و دیگران اثری متفاوت به‌لحاظ هم‌گرایی چند متن در یک متن مستقل از نظر حمید امجد است و باید که این نوع برخورد با اقتباس و دراماتوزی را در یک بازنگری پیوسته از التقاط‌گرایی در چند متن دانست که در آن سه وجه وجود دارد:

وجه سوم: تاریخ و فرهنگ ایرانی است که در آن فیروز یا فیروز جنین جریانی را در متن سه خواهر و دیگران نمایندگی می‌کند.

شاکله نهایی یک اثر مستقل است که در آن برداشت دیروز و امروز را در نظمی دگرگونه برایمان بازتعریف می‌کند که در اینجا گزاره‌های متفاوتی پیش‌رویمان قرار می‌گیرد.

قردانی‌ها

همچنین در این مراسم، از پرستو گلستانی، شهرام گیل‌آبادی، میکانیل شهرستانی، سارا داروفروش، احسان فلاحت‌پیشه، روزبه حسینی، غزل معصومی، ملیکا رضی، مهین فاطمی، سعید دولتی، مرتضی بزرگزادگان، سامان ارسطو، بهارک توسلی، کامییز بنان و مرتضی حقیقت‌بیان به‌عنوان کارگردان‌هایی که آثار زنده‌یاد استادمحمد را به صحنه برده‌اند، قدردانی شد.فرهاد توحیدی، اصغر همت، محمدمامیر یاراحمدی، مجید قصری و رویا نونهالی داوران دومین دوره جایزه محمود استادمحمد بودند.

اصغر فرهادی در نشست جانبی گلدن گلوب؛

از عبارت «کاراکتر خیانت‌کار» اذیت می‌شوم

می‌سازد، فرهادی در سخنانی کوتاه از زندگی خود گفت و افزود: بسیاری فکر می‌کنند من تجربیات مشابه فیلم‌هایم را داشته‌ام؛ درحالی‌که من خانواده خوشبختی دارم و ۲۰ سال است که با همسر زندگی می‌کنم. همچنین یکی از تماشاگران از اصغر فرهادی پرسید: چه چیزی شما را تشویق به نوشتن و کارگردانی فیلمی درباره خیانت در ایران کرد؟ فرهادی توضیح داد: فکر نمی‌کنم درباره خیانت فیلمی ساخته‌ام. خیانت بخشی از داستان است. اگر در این فیلم یا در فیلم «درباره الی» یا «چهارشنبه‌سوری» بخواهم خیلی کلیشه‌ای با این رفتار برخورد کنیم، به آن می‌گویم خیانت. این رفتار بر خودر کنیم، به آن می‌گویم خیانت. اگر این فیلم درباره مردی بود که خیانت کرده، ما نمی‌توانستیم با آن همدردی کنیم. من از ۱۳سالگی که فیلم کوتاه می‌ساختم، تا امروز شخصیتی نساختم که با آن احساس همدردی نکنم و وقتی می‌گویند کاراکتر فیلم شما فردی خیانت‌کار است، اذیت می‌شوم. فکر می‌کنم رفتار آن مرد جنبه‌های گوناگونی داشته و اگر از زوایای دیگر به آن نگاه کنیم، دآوری خیلی سخت می‌شود.

خرابات

مردی بیابرج میلادا!



جواد توسی

● «جشنواره فیلم فجر» به‌عنوان مهم‌ترین رویداد سینمایی سال، همواره حرف‌وحديث‌های خودش را دارد. فعلاً بحث داغ درباره فیلم‌های پذیرفته‌نشده در بخش «سودای سیمرخ» است. جدا از فیلم‌هایی که مشکل اساسی ممیزی دارند و چانه‌زنی از بالا و پایین نمی‌تواند در این فضای محافظه‌کارانه تغییر در وضعیت بعدی‌شان ایجاد کند، بد نیست امکان نمایش آن تعداد فیلم‌های بدون مسئله که از سروشگل و ارزش‌های نسبی برخوردارند، در بخش مستقل دیگری (با عنوان مناسب) فراهم شود تا تنور جشنواره گرم‌تر شود. البته در سال‌های دورتر جشنواره، انبوهی از تولیدات سالانه در بخش «مرو سینمای ایران» به نمایش درمی‌آمد که تعداد درخورتوجهی از آنها فاقد ارزش‌های کیفی و ساختاری بودند؛ بنابراین پیشنهاد بنده به منزله تکرار آن بخش نیست، بلکه می‌توان با درنظرگرفتن قابلیت‌های مضمونی و تکنیکی تعداد مشخصی از آثار راه‌یافته به بخش مسابقه، در ویتترین جشنواره تنوع ایجاد کرد و بر تعداد علاقه‌مندان و مخاطبان جشنواره افزود. منطقی باشد؟ آیا این تصویر و شمایل به‌دست‌آمده، بخشی از قواعد بازی ژورنالیستی است و از نظر روانی می‌تواند در هر شرایطی طرف مقابل را در موضع انفعالی قرار دهد؟ برنامه هفته گذشته، خلاف این تلقی را ثابت کرد؟ استفاده از واژه‌هایی مانند «بی‌عرضه»، «فیلمفارسی» و «افتضاح» به‌خوبی می‌تواند فرد مخاطب قرارگرفته را تحریک کند و به صرافتش بیندازد که مثل خود فراسنی با او دهن‌به‌دهن شود. کمترین تأثیر منفی این مقابله به مثل و مجادله لفظی، بی‌خیال‌شدن نقد و بررسی تماثیک و ساختاری فیلم و راه‌افتادن مجلس روگم‌کنی است، نوعی جلوتر از پرداختن به خود فیلم، بیشتر حواسش به این است که جلوی فراسنی کم‌ناور و نزد دوست و دشمن ثابت کند یکگی می‌تواند از پس این آدم بریاید. به‌همین‌خاطر در قبال «فیلمفارسی» خطاب‌شدن کارهای قبلی‌اش، به گذشته و رانت‌خواری فراسنی و مواجب‌گیری‌بودنش بسند می‌کند و او را موجودی غم‌انگیز می‌خواند. مسعودخان هم پاسخ می‌دهد از خودت مایه بگذار و بارها از دبیر محترم جشنواره و مسئولان ذی‌ربط درخواست کرده‌ایم که یک سینمای مستقل در مرکز شهر به منتقدان بدهند تا سرشان در لاک خودشان باشد و بدنامی‌اش نصیب این طیف که گردنشان از مو باریک‌تر است، نشود. اگر هم واقعا شماری از جامعه منتقدان می‌توانند میزانسن مد نظر مدیران در این برج کذایی را تشکیل‌تر کنند؛ پس دست‌کم برای‌شان حرمت قائل شوند و رسم میزبانی را درست به جا بیاورند. درباره افراد گمنام‌تر و معمولی‌تر جامعه منتقدان و حوزه‌های رسانه‌ای نیز لطف کنند سینمای آبرومندانه‌ای را در اختیارشان بگذارند.

متأسفانه هنوز منتقد در مفهوم اصیل و واقعی و فرهنگ‌سازش در کانون سوت‌فاهم قضاوت می‌شود و به جای ایجاد حُسن تفاهم و جذب حداکثری به بهانه این رویدادهای فرهنگی، فاصله‌ها بیشتر می‌شود و سوءتفاهمات شدت می‌یابد. بعضی از اهالی سینما و مسئولان فرهنگی اسم «منتقد» که می‌آید، انگار با یک مشت بچه‌پرو طرف هستند که باید به‌نوعی روی‌شان را کم کرد و پوزه‌شان را به خاک مالید. خلاصه حکایتی است...

یادبود

فیلم‌بردار «عینک دودی» درگذشت



● **شرق:** احمد مسروری، فیلم‌بردار سینمای ایران، ۱۸ دی بر اثر سکته قلبی درگذشت. مسروری که زمان درگذشتش ۷۰ سال داشت، فیلم‌بردار فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی و آثاری چون «دلبران تنگستان»، مستند مناسک حج، «ابراهیم در آتش»، «آژانس دوستی»، «عینک دودی» و فیلم‌بردار مشترک «قصه‌های مجید»، «شرم»، «صبح روز بعد» و... بوده است. طبق اعلام خانواده‌اش، پیکر او یکس، دو روز آینده در قطعه هنرمندان به خاک سپرده می‌شود. توجرح منصور، رئیس هیئت‌مدیره انجمن صنفی فیلم‌برداران، با تأیید خبر درگذشت مسروری نوشت: «قرار بود برایش بزرگداشت بگیریم، کلیپ ساختیم. منتظر کنز تاریخ بودیم کامهمان‌ها را دعوت کنیم، اما باز دیر شد. چقدر زمان تنگ است. چقدر همه ما درگیر حواشی زائد هستیم. همیشه دیر می‌شود. همیشه، حتی وقتی روزخیز می‌کنیم تا در زمان زنده‌بودن کسی بزرگش بداریم...! او بزرگ بود، بزرگ هم هست، وای به حال ما گرفتاران اندک‌بین. در این سوگواری علاوه بر هیئت‌مدیره و مدیرعامل خانه سینما، بسیاری از اصناف و تشکل‌های خانه سینما در پیام‌هایی،انجمن صنفی فیلم‌برداران سینما و اعضای خانه سینما تسلیت گفتند.